

# راهکار حذف یارانه بگیران؟

بهمن 23، 1393

همچنان بازار تکذیب و تأییدها، طرح‌ها و لوایح برای حذف [یارانه‌های نقدی](#) میان دولت و مجلس ادامه دارد. گاهی مجلس توپ را در زمین دولت می‌اندازد و گاه دولت توپ را به بهارستانی‌ها پاس می‌دهد. حال تنها موضوع مانده، عدم اجرای قانون و باقی ماندن ملاحظات سیاسی و اجتماعی است.

بر پایه قانون بودجه سال ۱۳۹۳ دولت یازدهم، باید یارانه نقدی را صرفاً به سرپرستان خانوارهای متقاضی - که به تشخیص دولت نیازمند دریافت یارانه باشند - پرداخت می‌کرد که مجموع درآمد سالانه آنها، کمتر از رقم تعیین شده از سوی دولت باشد.

اما این دولت و دولت قبل بر خلاف نص صریح قانون، این بند از قانون بودجه را به دلایلی اجرایی نکرد، تا اینکه سرانجام در بررسی لایحه جدید بودجه سال ۹۴ کمیسیون تلفیق مجلس، طرح جدیدی را در ارتباط با حذف یارانه بگیران پرداخت‌ارائه و آن را به استناداری‌ها واگذار کرد که به هیچ وجه قابلیت اجرایی نداشت.

در ادامه با توافق نهایی دولت و مجلس در خصوص حذف [یارانه پرداخت‌آمدها](#)، قرار شده بود از سال آینده، یارانه خانواده‌های با درآمد بالای ۲.۵ میلیون تومان حذف شوند. بنا بر این مصوبه، قرار بود از مجموع درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها در سال آینده، ۳۷ هزار میلیارد تومان به منظور پرداخت نقدی و غیرنقدی موضوع ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به ۴ گروه پرداخت شود. به این ترتیب، مجموع یارانه نقدی قابل توزیع در سال آینده، ۵ هزار میلیارد تومان کاهش می‌یافت و این به معنی حذف یارانه نقدی حدود ۱۰ میلیون نفر از ابتدای سال ۹۴ بود.

از ابتدای مطرح شدن این طرح و اشکالات فراوانی که به آن وارد بود، مشخص بود این طرح نمی‌تواند حتی در صورت تصویب، رنگ و بوی اجرایی به خود بگیرد، زیرا به قدری موضوعات و استدلال‌ها در این طرح ضعیف بودند که عملاً اجرا شدن این مصوبه به معنای نارضایتی حداکثری و عدم اجرای قانون هدفمندی بود.

در همین حال، دولت به رغم موافقت اولیه، با عقب نشینی از طرح حذف خانوارها با درآمد بالای دو میلیون و نیم، عملاً این طرح را بدون

طرح جدیدی لغو کرد، زیرا دولت معتقد است پیشنهاد حذف خانوارهای با درآمد ۲.۵ میلیون تومان فاقد استدلال منطقی بوده و در اجرا نیز امکان‌پذیر نیست. حال پرسش اول اینجاست، چگونه دولتی که می‌دانست این طرح فاقد استدلال منطقی است، در ابتدا آن را تأیید می‌کند؟

در همین راستا دکتر حسین راغفر در گفت و گو با «تابناک» به بررسی این موضوع پرداخته است.

به نظر شما مشکل اصلی طرح و اجرای هدفمندی یارانه ها چه بود که امروز تبدیل به یک معضلی شده است که هیچکس جرات تغییر روند موجود را ندارد؟

ما تاکنون چیزی به عنوان برنامه هدفمندی یارانه ها نداشته ایم. چیزی که عملاً اتفاق افتاده است، توزیع پول بین مردم بوده است که انگیزه اصلی آن نیز سیاسی بوده است. چون هدف سیاسی بوده است پدیده هدفمندی را سیاسی کرده اند. دولت بعدی هم که بعد از احمدی نژاد آمد با وضعیت اسفبار منابع مالی روبرو بود. متأسفانه یک فرهنگ در بین جمعیت بزرگی جا انداختند که یارانه حق همه مردم است. طبیعی است که دولت کنونی نیز به مسئله سیاسی نگاه کرده است و مترصد یک فرصتی است که نهاد دیگری مثل مجلس مسئله را حل کند. مجلس نیز موضوع یارانه ها را تثبیت کرده است و مطمئناً برنامه ای برای حذف یارانه ها نخواهد داشت. چرا که خودش در اجرای این طرح شریک بوده است. به عبارت دیگر مجلس دولت را به اجرای این طرح غلط تشویق کرده و هیچ اعتراضی آن موقع نکرده است. مجلس در آن موقع ایرادی به این وضعیت نگرفته و کمکی نکرد و حالا بعد از این مدت از دولت خواسته است که گروهایی را حذف کند. طبیعی است که در چنین شرایطی دولت هم با انگیزه های که دارد آماده اجرا و حذف یارانه پردرآمدها نیست.

پس چرا امروز زمزمه های حذف یارانه های پردرآمدها وجود دارد؟

چون فشار بودجه به قدری زیاد شده است که دولت ناتوان از پرداخت یارانه ها است. اکنون هم کمیسیون مشترک دولت و مجلس برنامه دیگری را ارائه کرده و در آن 5 هزار میلیارد تومان از کل 42 هزار و 500 میلیارد تومان کم کرده است و دولت را موظف کرده است به این که افرادی را که واجد شریط نیستند را شناسایی کند. ضابطه ای که برای دولت هم قرار داده است این بود که کسانی که بالای 2/5 میلیون تومان درآمد دارند، حذف بشوند که این مصوبه نیز در نهایت رد شد.

بعد هم یک فهرست از افرادی که مشمول دریافت نکردن می شوند را ارائه کرد.

آیا واقعاً گروه های درآمدی غیر قابل شناسایی هستند؟

یک بخش هایی قابل شناسایی است و طبیعتاً هرچه این گروه ها به سهولت قابل شناسایی هستند؛ حذف شوند به نفع بودجه عمومی کشور خواهد بود و این منابع می تواند جای دیگری صرف شود. البته معنی این نیست که ضرورتاً این صرفه جویی در جای مناسبی نیز صرف شود. در واقع می تواند در جایی دیگر صرف شود که به نفع اقتصاد کشور نباشد. در شرایط کنونی ضابطه ای که دولت گذاشته که نماینده مجلس، پزشک و استاد دانشگاه حذف شوند نیز مناسب نخواهد بود. حذف یارانه این ها که مشاغل مشخص دارند قطعاً رقم خیلی قابل توجهی نخواهد بود. در واقع این نوع حذف رقم قابل توجهی نیست، اما یک گام رو به جلو می باشد. در واقع بازهم مثل موارد گذشته اقدام ناقصی است و چه بسا باید گفت اقدام ناکافی است. روش های مشخصی برای شناسایی افراد وجود دارد؛ به نحوی که گروه های پایین درآمدی شناسایی شوند. به جای اینکه گروه های بالا شناسایی شوند؛ گروه های با درآمد کم شناسایی و بعد بقیه افراد حذف شوند. این روش روشن و مشخص است. ولی اراده برای حذف یارانه ها نیست. در حال حاضر از آغاز این طرح تاکنون 190 هزار میلیارد تومان از منابع کشور مصروف پرداخت یارانه نقدی شده است. ضمن اینکه همین یارانه، تورم بزرگی را بر همین فقرا و پایین درآمدی و به جامعه تحمیل کرده ، اما مشکلی را حل نکرده است. در حالی که این منابع می توانست مصروف خلق شغل و خدمات عمومی شود و یا سرمایه گذاری در منابع مشترک چاه های نفتی که با کشورهای حوزه خلیج فارس داریم و درآمدهای بزرگی را برای کشور را رغم بزند. اما متأسفانه هیچکدام از این ها انجام نشده است و کماکان هم این روند ادامه دارد و به نظر هم نمی رسد که چشم انداز روشنی هم حتی برای حذف آتی این برنامه جود داشته باشد.

کاهش قیمت نفت سبب نخواهد شد که یارانه های نقدی حذف شود؟

از برنامه هدفمندی که قرار بود 5 سال باشد 9 ماه باقی مانده است. در این سال ها چیزی که مطرح نبوده است مسئله هدفمندی بوده است. وضعیت جاری اقتصاد کشور نشان می دهد که دولت های ما شدیداً به درآمدهای نفتی معتاد شده اند و حاضر نیستند به ظرفیت های دیگری در اقتصاد کشور فکر کنند و هزینه این ناتوانی دولت ها در ترک اعتیاد شود. وضعیت فعلی باعث شده که نسل های کنونی و آینده هزینه

ان را پردازند. این هزینه ها به صورت رشدنایافتگی کشور و وجود ناکارآمدی اقتصادی است. در شرایط کنونی دولت باید مالیات جمع کند. این در حالی است که بین 60 تا 80 هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در سال داریم. در شرایطی که 50 درصد از مردم نیز مالیات نمی پردازند و مواردی دیگری وجود دارد که می تواند اخذ مالیات شود. اکنون فرصت مناسبی است که دولت وابستگی به منابع نفتی را به حداقل برساند و بیشتر برای تامین نیازهای خودش به درآمدهای حاصل از مالیات از فعالیت های اقتصادی پردازد. البته وابستگی دولت به مالیات سبب می شود که اصلا رابطه دولت و مردم و رابطه دولت با بخش های فعال کشور دگرگون شود. در آن صورت دولت نیازمند گسترش بخش خصوصی خواهد بود تا از طریق مالیات پوشش دهد. به نظر می رسد این یک فرصت مناسب برای اقتصاد کشور است که می تواند به بازسازی نهادهای متعددی جامعه ایران کمک کند.

اما به هرحال دولت و مجلس موضوع عدم توانایی در شناسایی دهک های درآمدی را بهانه می کنند.

اینکه عده ای فکر کنند؛ می توانند با نشستن روی صندلی هایشان حذف را انجام دهند و فقط حرف بزنند؛ قطعاً خیلی سخت تر است. ولی واقعیت این است که شناسایی کاملاً امکان پذیر است. آن شناسایی برحسب نشانی هایی که مجلس همواره به دولت داده است، نشانه های غلطی بوده است. شناسایی درآمد در کشور و یا شناسایی دهک ها راهکار علمی و منطقی دارد. مردم بر پیشانی شان چیزی ننوشته و یا دهک های مختلف لباس های متفاوتی نمی پوشند که شناسایی بشوند. خود دهک یک پدیده متحول و متغیر است. بنابراین نمی شود، گفت تا به حال این احکامی که به دولت داده شده بود درست است. ما گاهی با بخش های دولت صحبت می کردیم که چرا از این راه استفاده می کنید. می گفتند قانون ما را مکلف کرده است که ما از طریق شناسایی درآمد این کار را انجام دهیم. چه این بهانه باشد یا نباشد اما این راه حل غلط است. مجلسی ها می گویند که ما هیچ مشکلی نداریم که دولت به هر نحوی که می خواهد افراد را شناسایی کند و حذف کند. بنابراین این در اختیار دولت است و ما فقط یک پیشنهاد دادیم. آنچه مسلم است که کاملاً شناسایی افراد امکان پذیر است. همانطور که رئیس جمهور هم اشاره کردند مسئله پرداخت یارانه ها در همه دنیا یک امر موقتی است و نه یک امر دائمی. یعنی افرادی که مشمول دریافت یارانه می شوند برای مادام العمر نیست. مردم برای یک دوران کوتاهی مجدداً درخواستشان را تکرار کنند که اگر همچنان واجد

شرایط دریافت باشند پرداخت صورت بگیرد. از این رو هر سال متقاضیان دریافت یارانه باید پرسش نامه ای را تکمیل کنند. این پرسش نامه بیش از آنچه نشان های از درآمد افراد داشته باشد با ویژگی های تلویحی که مشخصه های خیلی نزدیکی با وضعیت اقتصادی خانوارها اطلاعات تکمیل می شود. این اطلاعات دولت لازم نیست احراز و اثبات شود. هر کسی که مدعی است باید این ها را احراز کند. بر اساس آن اطلاعات خانوارها را رتبه بندی می کند برحسب میزان نیاز و یا شدت محرومیت؛ از بیشترین محرومیت تا محرومیت های با درجات کمتری این ها رتبه بندی خواهد شد. دولت از میان این ها خواهد گفت که به چه تعدادی چه مبلغی را توزیع خواهد کرد و نسبت به شدت محرومیت خانوارها یارانه توزیع می شود و نه به نسبت یکسان. بنابراین راهکار حذف کاملاً مشخص است و فقط یک اراده سیاسی می خواهد تا این موضوع حل شود.

عده ای مطرح می کنند که قیمت حامل های انرژی افزایش پیدا کرده است و دولت باید جبران این افزایش قیمت را انجام دهد. از طرف دیگر معلوم هم نیست که دولت پول حاصل از هدفمندی را در صورتی که به مردم ندهد کجا هزینه می کند؟

مردم درست می گویند. دولت ها نشان نداده اند که اگر این پول را ندهند؛ این پول ها مصروف حل مشکلات اشتغال، توسعه کشور و یا رفع از محرومیت های مردم شود. این یک نگرانی است که خیلی ها دارند. دولت قیمت ها را افزایش داده است؛ و یارانه را به عنوان مبلغ جبرانی پرداخت کرده است. هدف اصلی هدفمندی یارانه ها عمدتاً همین است که قیمت ها را به قیمت های منطقی برسانند. یعنی قیمت های بازار برسانند. در خود همین معنا مشکلات متعددی نهفته است. به کدام قیمت بازار منظور است؟ الان تولید برق در کشور ما بیش از خیلی از کشورهای دیگر صورت می گیرد. علت آن ناکارآمدی در تولید برق در ایران است. البته به طور کلی هزینه تولید انرژی در ایران بسیار زیاد است. آیا باید ناکارآمدی تولید دولتی را هزینه اش را مردم بپردازند؟ آیا انرژی که با قیمت بالا و با کیفیت نازل تولید می شود؛ مردم باید جبران کنند!

دولت چندتا اشتباه بزرگ کرد. وقتی که می توانست در ترکیب خدماتی که ارائه می کرد زمان بندی منطقی تری را اختیار می کرد. به این معنا که دولت خودش اعلام می کرد که از مردم می خواهد انصراف دهند. ولی همزمان اعلام می کند که قیمت ها را بالا می برد. معلوم است که مردم هم خواهند گفت اگر قیمت ها را بالا می بری هزینه هاش را تقبل

کن. اصلی ترین دلیل که مردم در عدم ثبت نام همدلی و همکاری نکردند، همین موضوع بود. وگرنه خیلی ها قطعاً این کار را می کردند. در ترتیب اقدامات دولت هوشمندی کافی وجود نداشت. دولت می توانست ابتدا همین خدمات درمانی موجود را که شروع کرده آغاز می کرد. مردم می دیدند که دولت دارد اقدام می کند. آن وقت اگر از مردم می خواست که انصراف دهید مردم می دیدند که دولت انجام می دهد؛ بنابراین عده ای زیادی انصراف می دادند. اگر دولت اعلام می کرد بنا به حکم قانون اساسی آموزش و پرورش بایستی رایگان باشد در این صورت مردم احتمالاً انصراف می دادند.

اگر مردم می دیدند که دولت برنامه دارد و می خواهد اقدام کند، قطعاً همکاری می کردند. اما زمانبندی دولت و اجرای برنامه و اعلام برنامه هاش بسیار غیرهوشمندانه بود و به همین دلیل هست که این نگرانی را در جامعه در بین مردم به وجود آورد. باید این دولت این نکته را توجه می کرد که آنچه که بیش از همه آسیب خورده است در دولت های نهم و دهم اعتماد عمومی به موضع گیری مسئولین کشور است. بنابراین باید با احتیاط خیلی زیاد با این مسئله برخورد می کرد. بعضی اوقات این طور نشد و طبیعتاً عوارض آن زیاد است.

عده ای مطرح می کنند که یارانه حق همه مردم ایران است و کسی نمی تواند آنها را از گرفتن یارانه منع کند. نظر شما در این ارتباط چیست؟

این که اعلام می شود، یارانه یک حق عمومی است اشتباه است. حق عمومی مردم آن چیزی است که قانون اساسی دولت را مکلف کرده است که حقوق مردم را به صورت تامین اشتغال، مسکن قابل زیست، آموزش پرورش و بهداشت و خدمات رایگان برای همه فراهم کند. بنابراین مردم بایستی اینها را از دولت بخواهند و دولت هم تامین کند. البته نه اینکه دولت اینها را از طریق فروش نفت تامین کند. باید از نفت برای توسعه زیرساخت ها و توسعه سرمایه گذاری در بخش های مختلف کشور استفاده شود. بدون این زیر ساخت ها بخش خصوصی قادر به سرمایه گذاری نیست. دولت باید ارتباطات راه دور، آموزش و پرورش، دسترسی به آب آشامیدنی و هوای سالم را برای همه مردم در همه نقاط کشور فراهم کند و این نیازم سرمایه گذاری های عظیمی است که قطعاً منابع طبیعی ما به عنوان سرمایه های بین نسلی تنها می تواند برای این امور مصروف شوند نه برای نان و آب مردم. من شدیداً با این نظر که این نظر که یارانه حق عمومی مردم هست مخالفم. چون حق عمومی این نسل حاضر نیست. این یک حقوق بین نسلی

است. بنابراین فقط در قبال تبدیل به اشکال سرمایه های است که محصول و نتیجه اش بین نسلی می تواند توزیع شود.

در نهایت دولت می تواند چه اقدامی انجام دهد که کسی ناراضی نشود و واقعا عدالت اجتماعی نیز رعایت شود؟

مسئله خیلی روشن است. ارزیابی ما نشان می دهد حداکثر 40 درصد جمعیت کشور استحقاق دریافت یارانه آن همه نه همه یکسان دارند. بنابراین دولت این جا می تواند بخشی از این 42 هزار 500 میلیارد تومان را نقدی پرداخت بکند. به گمان ما 50 درصدش را حذف کند و در یک گفت و گو و همکاری با مجلس صورت بگیرد. محل خرج آن 50 درصد یارانه صرفه جویی شده برای خدمات عمومی و ایجاد اشتغال و آموزش و پرورش رایگان و توسعه شود.